

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

آیین تربیت فرزند در کتاب اخلاق ناصری

محدّثه فرخی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودان، دانشگاه آزاد
اسلامی، رودان، ایران

Mohadesehfarrokhi@gmail.com

چکیده

ارائه نظرها و دیدگاه‌های گذشتگان به عنوان میراث فرهنگی می‌تواند در توسعه و تعمیق تربیت و تعلیم تأثیر مثبتی داشته باشد. از آنجایی که جامعه امروزه ما نیازمند تحول و دگرگونی بیشتری در روش‌ها و شیوه‌های تربیت و تعلیم است، آشنایی با آثار تعلیمی گذشتگان و به‌کارگیری روش‌های مثبت و برجسته آنها می‌تواند مسیر تعلیم و تربیت را هموارتر کند. تحقیق و بررسی دیدگاه‌های این بزرگان درباره تربیت و اخلاق می‌تواند به ما در راه آموزش عرصه‌های اخلاقی یاری برساند. در ادبیات کهن ایران کتاب اخلاق ناصری از خواجه نصیرالدین طوسی از جمله آثار است که جلوه تربیتی و تعلیمی آن برجسته است. این کتاب، نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه آموزش و تعلیم اندیشه‌های پسندیده دینی، عرفانی، فلسفی، مسائل اخلاقی، علوم و فنون؛ تهذیب نفس، تزکیه ذهن، پرورش قوای روحی و تعالی و کمال انسان می‌کنند. هدف اصلی این جستار بررسی اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت اخلاقی در این کتاب ارزشمند است. کلمات کلیدی: ادبیات فارسی، تربیت و تعلیم فرزند، خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری.

۱. مقدمه

تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی، بلکه متن آن بوده و زندگی جلوه‌ای از آن است. موضوع تعلیم و تربیت انسان، از مبانی بنیادین آن به‌شمار می‌رود. با توجه به شواهد تاریخی، ایران با داشتن سابقه دیرینه فرهنگی به قدمت تاریخ و صاحب ادبیاتی غنی از آن دست مردمانی بوده که بر تعلیم و تربیت درست کودکان تأکید ویژه‌ای داشته‌اند و این مسئله به رویه‌ای فرهنگی نزد این ملت کهنسال تبدیل شده است. ادیبان و شاعران فارسی‌زبان توجه ویژه‌ای به مسئله اخلاق داشتند و کمتر کتاب منثور و منظومی در ادبیات فارسی بدون نکات اخلاقی پیدا می‌شود. درونمایه‌های تعلیمی و اخلاقی چنان با انواع شعر و ادب فارسی درآمیخته است که هیچ یک از انواع ادبی را نمی‌توان یافت که از این درونمایه‌ها جدا باشد؛ آنچه ادبیات تعلیمی را شکل می‌دهد، قصد و نیت صاحب اثر از تعلیم و آموزش است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲. خواجه نصیرالدین طوسی:

ابو جعفر محمد بن محمد بن حسن توسی مشهور به خواجه نصیرالدین (زاده ۵ اسفند ۵۷۹ در توس - درگذشته ۱۱ تیر ۶۵۳ در بغداد) شاعر، همه‌چیزدان، فیلسوف، متکلم، فقیه، ستاره‌شناس، اندیشمند، ریاضیدان، منجم، پزشک و معمار ایرانی سده هفتم است. کنیه‌اش «ابوجعفر» و به القابی چون «استاد البشر»، «افضل علما»، «سلطان فقها»، «سرآمد علم»، «اعلم نویسندگان»، «عقل حادی عشر» و «معلم ثالث» شهرت داشت. (مدرس رضوی، ۱۳۸۶: ص ۳) وی در سال ۵۹۷ هجری قمری در طوس متولد شد. همان: ۳) پدرش شیخ وجیه‌الدین که از علماء شهر قم بود، به همراه خانواده به شوق زیارت امام رضا (علیه‌السلام)، به مشهد عزیمت نمود و پس از زیارت در هنگام بازگشت به وطن، به علت بیماری همسرش در یکی از محله‌های شهر طوس ساکن شد (قمی، ۱۳۸۵: ۶۰۳). خواجه نصیر، در همان شهر به دنیا آمد و پدرش او را «محمد» نامید. «نصیرالدین»، «محقق طوسی»، «استاد البشر» و «خواجه» شهرت دارد.

۳. فعالیت‌های علمی:

وی سنت فلسفه مشایی را که پس از ابن سینا در ایران رو به افول گذاشته بود، بار دیگر احیا کرد. وی مجموعه آرا و دیدگاه‌های کلامی شیعه را در کتاب تجرید الاعتقاد گرد آورد و همچنین رصدخانه مراغه را ساخت و در کنار آن کتابخانه‌ای بوجود آورد که نزدیک به چهل هزار جلد کتاب در آن بوده‌است. او با پرورش شاگردانی (همچون قطب‌الدین شیرازی) و گردآوری دانشمندان ایرانی عامل انتقال تمدن و دانش‌های ایران پیش از مغول به آیندگان شد. وی یکی از گسترش دهندگان علم مثلثات است که در قرن ۱۶ میلادی کتاب‌های مثلثات او به زبان فرانسه ترجمه گردید.

۴. زندگی‌نامه:

خواجه نصرالدین طوسی یکی از سرشناس‌ترین و متنفذترین شخصیت‌های تاریخ جریان‌های فکری اسلامی‌ست. علوم دینی و عقلی را زیر نظر پدرش و منطق و حکمت طبیعی را نزد دایی‌اش آموخت. تحصیلاتش را در نیشابور به اتمام رساند و در آنجا به عنوان دانشمندی برجسته آوازه یافت.

وی در زمان حمله مغول به ایران در پیش ناصرالدین، محتشم قهستان، به کارهای علمی خویش مشغول شد. در همین زمان اخلاق ناصری را نوشت. پس از مدتی به نزد اسماعیلیان در دژ الموت نقل مکان کرد، اما پس از یورش هلاکوی مغول و پایان یافتن فرمانروایی اسماعیلیان (۶۳۵ هـ ش) هلاکو نصیرالدین را مشاور و وزیر خود ساخت، تا جایی که هلاکو را به تازش به بغداد و سرنگونی عباسیان یاری نمود. خواجه نصیرالدین توسی در ۱۸ ذی‌الحجه ۶۷۲ هجری قمری وفات یافت، و در کاظمین دفن گردید.

۵. زادگاه و تولد:

درباره زادگاه خواجه نصیرالدین توسی اختلاف است بعضی کتاب‌ها و منابع پدر وی را «شیخ وجیه‌الدین محمد بن حسن» از بزرگان و دانشوران قم می‌دانند اما در بعضی منابع وی را زاده روستای جهرود ساوه می‌دانند که به همراه خانواده برای زیارت امام هشتم شیعیان به مشهد عازم می‌شود و پس از زیارت، در هنگام بازگشت به علت بیماری همسرش، در یکی از محله‌های شهر توس مسکن می‌گزیند؛ و پس از چندی به درخواست اهالی محل علاوه بر اقامه نماز جماعت در مسجد، به تدریس در مدرسه علمیه مشغول می‌گردد. خواجه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

طوسی در ایام اقامت پدر در آنجا در پانزدهم جمادی الاول سال ۵۹۸ ق، متولد گردید؛ و پدرش با تفأل به قرآن کریم او را «محمد» نامید.

۶. تحصیلات خواجه نصیر الدین:

روزهای کودکی و نوجوانی خواجه توسی در شهر توس سپری شد. وی در این روزها پس از خواندن و نوشتن، قرائت قرآن، قواعد زبان عربی و فارسی، معانی و بیان و حدیث را نزد پدر خویش آموخت. پس از آن به توصیه پدر، نزد دایی اش «نورالدین علی بن محمد شیعی» که از دانشمندان نامور در ریاضیات، حکمت و منطق بود، به فراگیری آن علوم پرداخت. سپس با راهنمایی پدر در محضر «کمال الدین محمد حاسب» که از دانشوران نامی در ریاضیات بود، به تحصیل پرداخت اما هنوز چند ماهی نگذشته بود که استاد آهنگ سفر کرد و آورده‌اند که وی به پدر او چنین گفت: من آنچه می‌دانستم به او (خواجه نصیر) آموختم و اکنون سؤالهایی می‌کند که گاه پاسخش را نمی‌دانم!

پس از چندی دایی پدرش «نصیرالدین عبدالله بن حمزه» که تبحر ویژه‌ای در علوم رجال، درایه و حدیث داشت، به توس آمد و خواجه در نزد او به کسب علوم پرداخت. گرچه او موفق به فراگیری مطالب جدیدی از استاد نشد، اما هوش و استعداد وافرش شگفتی و تعجب استاد را برانگیخت به گونه‌ای که به او توصیه کرد تا به منظور استفاده‌های علمی بیشتر به نیشابور مهاجرت کند. او در شهر توس و به دست استادش «نصیر الدین عبدالله بن حمزه» لباس عالمان دین را بر تن کرد و از آن پس به لقب «نصیرالدین» از سوی استاد مفتخر شد.

خواجه سپس به نیشابور پای نهاد و به توصیه دایی پدر به مدرسه سراجیه رفت و مدت یک سال نزد سراج الدین قمری که از استادان بزرگ درس خارج فقه و اصول در آن مدرسه بود، به تحصیل پرداخت. سپس در محضر استاد فریدالدین داماد نیشابوری - از شاگردان امام فخر رازی - کتاب «اشارات ابن سینا» را فرا گرفت. پس از مباحثات علمی متعدد فرید الدین با خواجه، علاقه و استعداد فوق العاده خواجه نسبت به دانش اندوزی نمایان شد و فریدالدین او را به یکی دیگر از شاگردان فخر رازی معرفی کرد و بدین ترتیب نصیرالدین طوسی توانست کتاب «قانون ابن سینا» را نزد «قطب الدین مصری شافعی» به خوبی بیاموزد. وی علاوه بر کتابهای فوق از محضر عارف معروف آن دیار «عطار نیشابوری» (متوفی ۶۲۷) نیز بهره‌مند شد.

خواجه که در آن حال صاحب علوم ارزشمندی گشته و همواره به دنبال کسب علوم و فنون بیشتر بود، او پس از تحصیل در نزد دانشمندان نیشابور به ری شتافت و با دانشور بزرگی به نام برهان الدین محمد بن محمد بن علی الحمدانی قزوینی آشنا گشت. او سپس قصد سفر به اصفهان کرد اما در بین راه، پس از آشنایی با «میثم بن علی میثم بحرانی» به دعوت او و به منظور استفاده از درس خواجه ابوالسعادات اسعد بن عبدالقادر بن اسعد اصفهانی به شهر قم رو کرد.

توسی پس از قم به اصفهان و از آنجا به عراق رفت. او علم «فقه» را از محضر «معین الدین سالم بن بدران مصری مازنی» (از شاگردان ابن ادریس حلی و ابن زهره حلی) فرا گرفت؛ و در سال ۶۱۹ ق. از استاد خود اجازه نقل روایت دریافت کرد. آن گونه که نوشته‌اند خواجه مدت زمانی از «علامه حلی» فقه و علامه نیز در مقابل، درس حکمت نزد خواجه آموخته‌است. «کمال الدین موصلی» ساکن شهر موصل (عراق) از دیگر دانشمندانی بود که علم نجوم و ریاضی به خواجه آموخت و بدین ترتیب پژوهش‌گر توسی دوران تحصیل را پشت سر نهاده، پس از سال‌ها دوری از وطن و خانواده، قصد عزیمت به خراسان کرد.

۷- خواجه طوسی در قلعه‌های اسماعیلیان:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اسماعیلیه فرقه‌ای از شیعیان است که به باور پیروانش اسماعیل فرزند جعفر صادق جانشین اوست. این گروه پس از مدتها در سال ۴۸۳ ق. به دست حسن صباح در ایران رونقی دوباره یافتند و پس از چندی، گرایشهای شدید سیاسی پیدا کرده، فعالیت‌های خود را گسترش دادند. قلعه الموت در حوالی قزوین پایتخت آنان بود و علاوه بر آن قلعه‌های متعدد و استواری داشتند که جایگاه امنی برای مبارزان سیاسی به‌شمار می‌رفت و دستیابی بر آن‌ها بسیار سخت بود.

خواجه نصیرالدین پس از چند ماه سکونت در قائن، به دعوت «ناصر الدین عبدالرحیم بن ابی منصور» که حاکم قلعه قهستان بود و نیز مردی فاضل و دوستدار فلاسفه بود، به همراه همسرش به قلعه اسماعیلیان دعوت شد و آزادانه و با احترام ویژه در آنجا زندگی کرد. او در مدت اقامت خود کتاب «طهاره الاعراق» نگاشت..

نصیرالدین طوسی حدود ۲۶ سال در قلعه‌های اسماعیلیه به سر برد؛ اما در این دوران لحظه‌ای از تلاش علمی باز ننشست و کتابهای متعددی از جمله «شرح اشارات ابن سینا»، «تحریر اقلیدس»، «تولی و تبری» و «اخلاق ناصری» و چند کتاب و رساله دیگر را تألیف کرد. کتاب روضه التسلیم و مطلوب المومنین؛ تولی و تبری از جمله آثاری است که به فرمان امام اسماعیلی در الموت نوشته است. خواجه در پایان کتاب شرح اشارات می‌نویسد: «بیشتر مطالب آن را در چنان وضع سختی نوشته‌ام که سخت‌تر از آن ممکن نیست و بیشتر آن را در روزگار پریشانی فکر نگاشتم که هر جزئی از آن، ظرفی برای غصه و عذاب دردناک بود و پشیمانی و حسرت بزرگی همراه داشت؛ و زمانی بر من نگذشت که از چشمانم اشک نریزد و دلم پریشان نباشد و زمانی پیش نمی‌آمد که دردهایم افزون نگردد و غمهایم دو چندان نشود...» از همکاران خواجه در الموت می‌توان به حسن محمود کاتب یا حسن صلاح منشی بیرجندی اشاره کرد که همراه خواجه از قهستان به الموت آمده بود وی در طول روز آنچه را که خواجه تدریس می‌کرد مکتوب می‌کرد و برداشت خویش را در اوقات فراغت به صورت شعر بیان کرده‌است. دیوان اشعار وی دیوان قائمیات نام دارد.

۸. خواجه توسی و هلاکوخان مغول:

از آنجا که وجود اسماعیلیان حاکمیت و قدرت سیاسی مغولان را به خطر می‌انداخت هلاکوخان در سال ۶۵۱ ق. با اعزام لشکری به قهستان آنجا را فتح کرد. حاکم قلعه پس از مشورت با خواجه نصیر، علاوه بر تسلیم کامل قلعه، از مغولان اطاعت کرد و چندی پس از آن در سال ۶۵۶ ق. تاج و تخت اسماعیلیان در ایران برچیده شد و بدین سان خواجه نصیر بزرگترین گام را در جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی و قتل عام مردم برداشته، از این رو نزد خان مغول احترام و موقعیت ویژه‌ای یافت. (اقبال آشتیانی، ۱۳۹۷:ص ۲۳). برخی گفته‌اند هلاکو به جز خواجه نصیرالدین طوسی و دو پزشک دیگر، رکن الدین و همه همراهان وی را به قتل رساند و زنده‌نگه‌داشتن خواجه نصیر به دلیل آن بود که هلاکو از جایگاه علمی و فکری او مطلع بود. هلاکو بدون اجازه خواجه هیچ تصمیمی نمی‌گرفت، هیچ سفری نمی‌رفت و هیچ حکمی نمی‌داد. هلاکوخان همچنین در گشایش بغداد و کشتن واپسین خلیفه عباسی، از نظرهای خواجه توسی بهره گرفت.

مستعصم (آخرین خلیفه عباسی) در دوران حکومت خود علاوه بر لهو و لعب، به خون‌ریزی مسلمانان پرداخت. عده‌ای از شیعیان بغداد به دست پسرش (ابوبکر) به خاک و خون کشیده شدند و اموالشان به غارت رفت. مقام علمی و ارزش فکری نصیرالدین توسی موجب شد تا هلاکو، او را در شمار بزرگان خود دانسته، نسبت به حفظ و حراست از جان وی کوشا باشد و او را در همه سفرها به همراه خویش دارد. (همان: ص ۵۶)

۹. خدمات خواجه نصیرالدین:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقام علمی و ارزش فکری نصیرالدین طوسی موجب شد تا هلاکو، او را در شمار بزرگان خود دانسته، نسبت به حفظ و حراست از جان وی کوشا باشد و او را در همه سفرها به همراه خویش دارد. خواجه که در آن ایام دارای مقام و صاحب نفوذ شده بود از موقعیت استفاده کرد و خدمات بسیاری به فرهنگ اسلام و کشورهای مسلمان روا داشت که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اقدامات علمی و

- ۱- فرهنگی و نگارش کتاب‌های ارزشمند و مفید برای جهان اسلام
- ۲- جلوگیری از به آتش کشیدن کتابخانه بزرگ حسن صباح در قلعه الموت به دست سربازان مغول ۳: نجات جان دانشمندان و فرهیختگان مانند ابن ابی‌الحدید (شارح نهج البلاغه) و برادرش موفق الدوله و عطاملک جوینی که همگی مورد خشم مغول قرار گرفته بودند.
- ۳- آشنا کردن قوم مغول با فرهنگ و تمدن اسلامی به گونه‌ای که موجب گرویدن عده زیادی از مغولان حتی خان مغول به دین اسلام شد. و از سال ۹۴ق. اسلام دین رسمی ایران قرار بگیرد.
- ۴- جلوگیری از تهاجم آنان به سایر کشورهای اسلامی.
- ۵- تاسیس و تجهیز کتابخانه بزرگ
- ۶- تاسیس رصدخانه مراغه در سال ۵۶ق. با همکاری عده‌ای از اندیشمندان مسلمان. (هادی غفاری و اصغر ابوالحسنی، ۱۳۸۹: ۸۳)

۱۰. آثار:

زندگی او بر پایه دو هدف اخلاقی و علمی بنا نهاده شده بود. او در بیشتر زمینه‌های دانش و فلسفه، تالیفات و رساله‌هایی از خود به یادگار گذاشته که بیشتر عربی هستند، اما ۲۵ درصد نوشته‌های وی به زبان پارسی بوده‌اند.

خواجه نصیرالدین طوسی برخلاف ابن سینا اقدامی برای ترجمه لغت‌های عربی و به وجود آوردن اصطلاحات فارسی به جای اصطلاحات عربی نکرد و همان واژه‌های رایج روزگار خود را در آثار فارسی به کار برد.

از معروفترین آثار او به پارسی، «اساس الاقتباس» و «اخلاق ناصری» را می‌توان یاد کرد. وی در اخلاق ناصری رستگاری راستین انسان‌ها را در «سعادت نفسانی»، «سعادت بدنی» و «سعادت مدنی» می‌داند و این نکته نشان می‌دهد که خواجه در مسایل مربوط به بهداشت جسمانی و روانی هم کارشناس بوده‌است. (امین، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۰).

خواجه حدود ۲۶ سال در قلعه‌های اسماعیلیه به سر برد و در این مدت دست به تالیف و تحریر کتاب‌های متعددی زد. خواجه نصیر حدود یکصد و نود کتاب و رساله علمی در موضوعات متفاوت به رشته تحریر درآورد. که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱- تجرید الاعتقاد: که در موضوع کلام نگاشته شده و به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و شرح‌های بسیاری پیرامون آن نوشته شده‌است. ۲- شرح اشارات بوعلی سینا: این کتاب شرحی بر اشارات بوعلی سینا است. ۳- قواعد العقاید ۴- اخلاق ناصری یا اخلاق طوسی ۵- آغاز و انجام ۶- تحریر مجسطی ۷- تحریر اقلیدس ۸- تجرید المنطق ۹- تلخیص المحصل ۱۰- اساس الاقتباس ۱۱- زیج ایلخانی ۱۲- آداب البحث ۱۳- آداب المتعلمین ۱۴- روضه القلوب ۱۵- اثبات بقاء نفس ۱۶- تجرید الهندسه ۱۷- اثبات جوهر ۱۸- جامع الحساب ۱۹- اثبات عقل ۲۰- جام گیتی نما ۲۱- اثبات واجب الوجود ۲۲- الجبر و الاختیار ۲۳- استخراج تقویم ۲۴- خلافت نامه ۲۵- اختیارات نجوم ۲۶- رساله در کلیات طب ۲۷- ایام و لیالی ۲۸- علم المثلث ۲۹- الاعتقادات ۳۰- شرح اصول کافی ۳۱- کتاب الكل ۳۲- صورالکواکب ۳۳- تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار ۳۴- تصورات یا روضه التسلیم ۳۵- رساله تولا و تبری.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خواجه نصیرالدین طوسی کسی است که در «دانش‌ها» مسلط و صاحب‌نظر و صاحب‌اثر بوده است. حکمت، منطق، ریاضیات، ادبیات، فقه، نجوم، کشاورزی، ادبیات و فنون شاعری، کلام، عرفان، گوهرشناسی و سیاست، بخشی از این دانش‌ها است. بخشی از دانش گسترده و عمیق خواجه نصیرالدین طوسی در آینه اوراق کتاب‌ها و رساله‌های پُر تعداد او منعکس است و برای اهل علم در هر زمان و مکانی ذخیره شده است.

۱۱. ویژگی‌های کتاب اخلاق ناصری:

اخلاق ناصری؛ کتابی است که خواجه آن را در قلعه اسماعیلیان نوشت. با هجوم سیل ویرانگر و خونخوار مغول در ۶۱۶ هجری به نواحی خراسان بزرگ، شهرهای آبادان آن دیار، دیگر جایی نبود که دانشی مردی چون خواجه نصیر بتواند با فراغ خاطر به کار علمی خویش و تألیف آثار گرانبهای خود بپردازد، به همین دلیل، محقق طوسی دعوت رئیس ناصرالدین عبدالرحیم ابن ابی‌منصور، محتشم قهستان، را که از سوی علاءالدین محمد (فرمانروای اسماعیلیه) حکمرانی بر قلعه‌های اسماعیلیه در خراسان را عهده‌دار بود، پذیرفت و پس از سال ۶۱۹ یا ۶۲۴ هجری به قهستان رفت و در آنجا اقامت گزید. خواجه در آن مدت که در قلعه قهستان بود، کتاب‌هایی چون «الطهاره» اثر ابوعلی مسکویه رازی را ترجمه کرد و اخلاق محتشمی و رساله معینیه را نگاشت. کتاب «اخلاق ناصری» نیز از آثاری است که خواجه آن را در همین مدت، بین سال‌های ۶۳۰ تا ۶۳۲ هجری نگاشته و آن را به نام همان ناصرالدین محتشم، «اخلاق ناصری» نام‌گذاری کرده است. در زمینه اخلاق و معرفت آن، خواجه نصیر نه بنیانگذار است و نه کتابش نخستین مظهر کوشش انسان در مسائل اخلاقی. زیرا قبل از وی ده‌ها انسان متفکر و نابغه در این زمینه قلم فرسائی نموده‌اند و پس از او نیز صدها، بلکه هزارها، همان گونه که در سیاست، ارسطو اولین فردی نبوده که در مسائل سیاسی اظهار نظر نموده و در فلسفه و طب نیز سقراط و بقراط اولین نبوده‌اند. اما آنچه که تحسین برانگیز است، پشتکار و تلاش خستگی‌ناپذیر خواجه نصیر است؛ زیرا با آنکه وزیری با تدبیر، فیلسوفی بی‌نظیر و ریاضی‌دانی بی‌بدیل در عصر خود بوده است با تمام مشغله و گرفتاری که داشته و با اینکه در جوانی که این کتاب را نوشته، افکارش قلمروهای دیگری را سیر می‌کرده، باز هم این فرصت را یافته که کتابی با آن حجم درباره اخلاق به رشته تحریر کشد. بدون شک خواجه نصیر، کتب اخلاقی پیشینیان خود را به دقت خوانده و قطعا کتاب سوم جمهور افلاطون که طریقه تعلیم و تربیت جوانان است، همچنین کتاب اخلاق اثر ارسطو را بارها مطالعه کرده است و نیز منکر تاثیر پذیری او از غزالی نمی‌توان شد و در این معامله، اگر حقی باشد، کفه ترازو به سود امام‌الحرمین به سنگینی می‌نشیند زیرا که خواجه تقریبا همان کلماتی را با کمی تغییر و تحول و اضافات و کاستی‌ها بیان داشته که صد سال قبل از او محمد غزالی که نه وزیر بوده است و نه محتشم با نثری شیوا و روان بیان داشته است.

کتاب اخلاق ناصری، همچنان که از نام آن برمی‌آید، اثری است در حوزه اخلاق و تعلیم و تربیت و تبیین‌کننده آداب شئون مختلف و اصناف گوناگون. این کتاب را خواجه در یک مقدمه و سه مقاله نوشته که هر مقاله آن از چندین فصل تشکیل شده است. عنوان مقاله‌های کتاب به ترتیب عبارت است از تهذیب اخلاق؛ تدبیر منازل؛ و سیاست مثنی.

در مقاله نخست، نویسنده به معرفت نفس پرداخته و اشرف مخلوقات بودن انسان را تبیین کرده است، آن‌گاه فضایل و ردایل اخلاقی را شرح داده و در پایان، فصلی در معالجه امراض نفس آورده است. در مقاله دوم خواجه از تدبیر اموال و اوقات و نیز تدبیر اهل و اولاد سخن رانده و از حقوق پدر و مادر گفته است. آنچه در مقاله سوم مطرح شده است نیز به محبت و اجتماعیات و آداب حکومت‌داری و کیفیت معاشرت با صنف‌های گوناگون مردمان مرتبط است و خواجه با آوردن وصایایی منسوب به افلاطون، کتاب خویش را به انجام رسانده است. (حمیدی، ۱۳۹۰: ۹۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خواجه نصیرالدین طوسی، از جمله صاحب نظران در باب تربیت فرزند است که ضمن تبیین اصول و روش‌های تربیت، دستورالعمل‌های مفیدی در این زمینه ارائه داده است.

۱۲. آرای خواجه طوسی در باب تربیت فرزند:

آنچه در این پژوهش آمده است، آرای خواجه نصیرالدین طوسی درباره تربیت فرزندان است که خواجه آنها را در مقاله دوم کتاب «اخلاق ناصری» آورده است.

۱- سیاست و تدبیر اولاد

نخستین نکته‌ای که خواجه درباره مسئولیت پدر و مادر در پرورش فرزند، یادآور شده است، برگزیدن نام نیکو برای فرزند است. «هنگامی که فرزندی به دنیا آمد، ابتدا باید نامی نیکو برای او انتخاب کنند، زیرا اگر نامی ناخوشایند بر روی کودک نهند، تا پایان عصر از این نام بد، در رنج خواهد بود» (طوسی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). نامی که برای فرزند انتخاب می‌شود اگر «ناموافق» باشد، تا پایان عمر موجب نارضایتی و ناخوشدلی فرزند خواهد بود. البته اگر خواجه نصیر می‌توانست زندگی در دنیای امروز را تجربه کند و به چشم ببیند که افراد، به هر دلیل، به چه راحتی نام شناسنامه‌ای خویش را به طرز رسمی یا غیررسمی تغییر می‌دهند و آن را به نامی مطابق با مذهب روز ارتقا می‌دهند، شاید این قدر نگران ناخوشدلی فرزند از نام نامطلوب خود نمی‌بود.

«سپس برای شیر دادن و پرستاری از او، دایه ای استخدام کنند. دایه ای که دانا و تندرست باشد زیرا بسیاری از خوی‌های بد، و بیماری‌ها، از طریق شیر به کودک سرایت می‌کند. زمانی که دوران شیر خوارگی کودک تمام شد، باید به تربیت و پرورش اخلاق او مشغول شوند، تا اخلاق او فاسد نشود، زیرا به دلیل نقصان و نیازهایی که در طبیعت کودک وجود دارد به اخلاق زشت و خصلت‌های ناشایست، گرایش بیشتری دارد. در پرورش اخلاق کودک باید برابر با سرشت و طبیعت او رفتار کرد. یعنی هر نیرویی که ظهور آن در کودک بیشتر باشد، پرورش و کمال بخشیدن به آن نیرو باید مقدم شمرده». (طوسی، ۱۳۸۶: ۱۸۳)

۲. نشانه استعداد کودک در ادب‌پذیری

خواجه نصیر طوسی، غالب بودن حیا در کودک را نشانه استعداد او در ادب‌پذیری دانسته است و سفارش می‌کند که در چنین حالی پدر و مادر باید بسیار در ادب‌آموزی کودک خویش بکوشند و نسبت به آن بی‌توجه نباشند؛ زیرا چنین کودکی استعداد مؤدب شدن به آداب نیکو را بیش از دیگران دارد. خواجه توصیه می‌کند که پدر و مادر آداب و وظایف دینی را به کودک بیاموزند و «او را بر مواظبت آن ترغیب کنند و بر امتناع از آن تأدیب؛ و اختیار را نزدیک او مدح گویند و اشرار را مذمت؛ و اگر جمیلی از او صادر شود، او را مَحْمَدت گویند و اگر اندک قبیحی صادر شود، به مذمت تخویف کنند...» (طوسی، ۱۳۸۶: ۱۸۳)

۳. تنبیه فرزند در اخلاق ناصری

خواجه معتقد است کودک در ابتدای سن نشو و نما، بنا به طبیعت کودکی کارهای ناپسندی انجام می‌دهد و دروغ می‌گوید و حسود است و بی‌اجازه دیگران وسایلی را برمی‌دارد و سخن چینی و لجبازی می‌کند و با رفتارهایش، آزار خود و دیگران را سبب می‌شود؛ اما کمی که بزرگ‌تر می‌شود، بر اثر تأدیب و نیز کسب تجربه و رشد سنی، آن رفتارهای نادرست را ترک خواهد کرد؛ و به همین دلیل واجب است بر پدر و مادر که در همان طفولیت، کودک را نسبت به رفتارهای نادرستش تأدیب کنند، تا آن کارهای ناپسند برای او عادت نشود و در بزرگسالی نیز همراهش نباشد. مؤلف اخلاق ناصری تذکر می‌دهد که کودک را با هر کار نیکی که می‌کند، باید تشویق کنند و آفرین گویند، اما هنگامی که رفتار زشتی از او سر می‌زند، باید بسیار مراقب بود که او را به صراحت و آشکارا سرزنش نکنند که چرا کار بدی کرده است؛ بلکه این‌طور وانمود کنند که او از روی غفلت و ناآگاهی آن کار زشت را انجام داده است. حتی خواجه این را

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می‌گوید که اگر کودک کوشید که کار بد خود را پنهان دارد، پدر و مادر نیز آن را پوشیده بدارند. این طرز رفتارهای والدین سبب می‌شود که کودک در انجام کارهای زشت وقیح نشود. خواجه می‌گوید اگر کودک دوباره رفتار زشت خود را تکرار کرد، باید به صورت پنهانی، نه جلوی چشم دیگران، او را سرزنش کنند و توبیخ نمایند و از بدی‌های آن کار زشت، فراوان برای او بگویند و از تکرار آن بازدارندش. (همان: ۱۸۵)

۴. آداب غذا خوردن فرزند در اخلاق ناصری

استاد طوسی گوشزد می‌کند که پدر و مادر، کودک را «در انواع اطعمه ترغیب نیفکنند، بلکه به اقتصار به یک طعام مایل گردانند و اشتباهی او را ضبط نمایند تا بر طعام آدون اقتصار کند و به طعام لذیذتر حرص ننماید و وقت نان تهی خوردن عادت کند؛ و این ادبها اگرچه از فقرا نیکو بود، اما از اغنیا نیکوتر». (همان: ۱۹۰)

و چه بسیار کودکان در تنعم بزرگ شده که تا آن گاه که تحت تکفل والدین بوده‌اند، در پیر قومی خوابیده‌اند و بهترین غذاها را می‌خورده‌اند، اما با گذشت روزگار، چون از آن نعم بی‌بهره می‌مانند، از نظر شخصیتی به تمامی فرومی‌ریزند و از آنجا که یک‌سره عادت به خوشی‌ها و فرونی‌ها داشته‌اند، نمی‌توانند در روزگار سختی و تلخی و کمی، رفتار معقول و متناسبی داشته باشند. رویه دیگر آثار مخرب این در ناز و نعمت بالیدن‌ها وقتی خود را نشان می‌دهد که آن کودک، بزرگ شود و بر مصدر امور نشیند؛ جایی که می‌تواند با تصمیم‌های خود زندگی دیگرانی را که زیر دست او هستند، تغییر دهد. آن گاه است که او چون هیچ‌گاه طعم نداشتن و نخوردن را نچشیده، همه عالم را از دید رفاه‌آلود خویش می‌بیند؛ بنابراین تصمیم‌هایی می‌گیرد که برآیند آنها، فقیرتر شدن فقیر و غنی‌تر شدن غنی خواهد بود.

بسیاری از ما، اگر خود جزو کسانی نبوده باشیم که در کودکی و نوجوانی فخر ثروت و موقعیت خوب خانوادگی‌شان را به همسالانشان می‌فروشدند، به‌حتم دیده‌ایم کودکانی را که در همان عالم کودکی با تعریف کردن مفاخره‌آمیز از پول و خانه و خودرو پدر و مادرشان و یا حتی شامی که شب قبل در فلان رستوران مجلل خورده‌اند، دل از رفیقان خود می‌برند و چه بسا با ذکر همین خاطرات ثروتمندانه، دل کودک و کودکانی کمتر برخوردار را آتش‌ها می‌زنند و کاری می‌کنند که آن طفلان معصوم، به ناخودآگاه پدران و مادران «معمولی» خویش را به جرم نداشتن یا کمتر داشتن، به دیده تحقیر بنگرند. خواجه دانشمند طوس به پدر و مادرها تذکر می‌دهد که آنان باید کودک خویش را «از مفاخرت با اقربان به پدران و مال و ملک و ماکیل و مایس منع کنند و تواضع با همه کس و اکرام کردن به اقربان بدو آموزند و از تناول بر فروتران و تعصب و طمع به اقربان منع کنند». (همان: ۱۹۵)

نویسنده «اخلاق ناصری» سفارش دیگری که در تربیت کودک دارد، این است که والدین باید کودک را «از دروغ گفتن بازدارند و نگذارند که سوگند یاد کند، چه به راست و چه به دروغ؛ چه سوگند از همه کس قبیح بود و اگر مردان بزرگ را بدان حاجت افتد باری به هر وقتی، کودکان را حاجت نبُود» (همان: ۲۰۰)

۵. بازی و تفریح کودک در اخلاق ناصری

خواجه همچنین می‌فرماید که پدر و مادر نباید فرزند خود را به پول عادت دهند: «زر و سیم را در چشم او نکوهیده دارند، که آفت زر و سیم از آفت سموم آفافی (جمع افعی) بیشتر است و به هر وقت اجازت بازی کردن دهند، لیکن باید بازی او جمیل بود و به هر تعبئی (خستگی و رنج) و آلمی (درد) زیاده مشتمل نباشد تا از تعب ادب آسوده شود و خاطر او کند نگرند». (همان: ۲۰۰) بدین ترتیب واضح است که خواجه در سیر تربیت کودک بر وجود بازی و تفریح نیز بسیار تأکید دارد و معتقد است که بازی کردن می‌تواند خاطر کودک را از سختی‌ها و ملالت‌های شئون مختلف ادب‌آموزی برهاند.

در دهه‌ها و سال‌های اخیر این طرز فکر برای برخی از پدران و مادران جا افتاده است که فرزند کودک یا نوجوان خود را در رشته‌های گوناگون ورزشی، هنری و علمی در کلاس‌های آموزشی گوناگون ثبت نام کنند، تا پس از چندی به مدد هزینه بسیار و صرف وقت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فراوان و خون دل خوردن‌های بی‌شمار، ذوفنونی تحویل بگیرند که مایه افتخار خانواده و خاندان و چه بسا فخر ایران شود؛ اما زهی خیال باطل! متأسفانه در بسیاری از موارد، این حجم از تزریق آموزش به روح و جسم ظریف و نحیف کودک، موجب ملال و دلزدگی وی از همه یا بیشتر آن رشته‌های هنری و ورزشی و علمی می‌شود و پس از چندی به صلح یا به جنگ! همه آنها را رها می‌کند و داغ آن همه هزینه را به دل پدر و مادر خویش می‌گذارد.

نابغه روزگاران که خود از معدود ذوفنونان راستین عالم به شمار می‌آید، در این باره نیز والدین را هشدار داده است. خواجه معتقد است که پدر و مادر باید «در طبیعت کودک نظر کنند و از احوال او به طریق فراست و کیاست اعتبار گیرند تا اهلیت و استعداد از چه صنعت و علم در او مفلطور است، او را به اکتساب آن نوع مشغول گردانند؛ چه همه کس مستعد همه صنعتی نبُود؛ و الا همه مردمان به صنعت اشرف مشغول شدند و در تحت این تفاوت و تباین که در طبایع مستودع است، سیری غامض و تدبیری لطیف است که نظام عالم و قوام بنی آدم بدان منوط می‌تواند بود؛ «ذلک تقدیر العزیز العظیم» (همان: ۲۰۵)

فراگیری حرفه یا هنر در اخلاق ناصری

خواجه این را هم یادآور شده است که در حین آموختن حرفه یا هنری، اگر طبع کودک را با آن صنعت سازگار ندیدند، او را به ادامه فراگیری آن حرفه یا هنر و صنعت مجبور نکنند.

در پایان این بخش، مؤلف اخلاق ناصری این را خطاب به مخاطب خویش می‌گوید که «کسی که بر ضد این معانی که یاد کرده آمد، تربیت یافته باشد، قبول ادب بر او دشوار بود، خاصه چون سن در او اثر کند، مگر که به قبج سیرت عارف بود و بر کیفیت قلع عادت واقف؛ و بر آن، عازم؛ و در آن، مجتهد؛ و بر صحبت اخبار، مایل» (همان: ۲۱۰)

اخلاق ناصری تنها بیان اندیشه‌های خواجه نصیر نیست بلکه گزارشی از اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان به ویژه ابن سینا و ابوعلی مسکویه در زمینه حکمت عملی است. خواجه به رسم امانتداری به منابعی که از آنها بهره گرفته اشاره کرده است. در ابتدای مقاله تدبیر منزل می‌نویسد: «خواجه رئیس ابو علی الحسین بن عبد الله سینا را رساله ای است در این باب که با کمال بلاغت شرط ایجاز رعایت کرده است. خلاصه ای از آن رساله با این مقاله نقل کرده آمد.» (همان: ۲۱۸) در مقدمه نیز می‌گوید: «اولی آنکه ذمت به عهده ترجمه این کتاب مرهون نباشد. مضمون قسمی که بر حکمت خلقی مشتمل خواهد بود، خلاصه معانی کتاب استاد ابوعلی مسکویه را شامل بود.»

خواجه برای تربیت انسان اهمیت فوق العاده قائل است. او آدمی را مختار و مستعد خیر و شر می‌داند و می‌گوید خوبی و بدی در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است و به هنگام تولد یک کودک نمی‌توان گفت صالح خواهد بود یا فاسد بلکه او امکان شدن دارد. اما معتقد است گرایش انسان به شر قویتر از تمایل وی به خیر است «کودک مستعد بود و به اخلاق ذمیمه بیشتر میل کند به سبب نقصان و حاجاتی که در طبیعت او بود.» (همان: ۲۲۲)

وی در مورد وظایف پدر، تأکید می‌کند: «و چون فرزند در وجود آید ابتدا به تسمیه او باید کرد به نامی نیکو، چه اگر نامی ناموافق برو نهد، مدت عمر از آن ناخوشدل باشد... و چون رضاع او تمام شود به تادیب و ریاضت اخلاق او مشغول باید شد، پیشتر از آنکه اخلاق تباها فرا گیرد» محتوای آموزشی خواجه نصیر بسیار گسترده است. از وظایف دینی و آداب معاشرت گرفته تا نحوه غذا خوردن و نشست و برخاست در مجالس و... شعر یکی از سرگرمی‌هایی است که خواجه نصیر آموختن آن را برای کودکان ضروری دانسته است. خواجه نصیر حق بازی را به طور مشروط برای کودک به رسمیت شناخته است «و به هر وقت اجازت بازی کردن دهند ولکن باید که بازی او جمیل بود و بر تعبی و المی زیادت مشتمل نباشد تا از تعب آسوده شود و خاطر او کند نگردد.» (همان: ۲۲۶)

۶. توجه به استعدادها و تفاوت‌های فردی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یکی از نکات بسیار مهمی که بیانگر بیش عمیق خواجه نصیر در باب تعلیم و تربیت است توجه به استعدادها و تفاوت‌های فردی است. او معتقد است که هنرها و حرفه‌های بی‌شماری وجود دارد که هر کس بر حسب استعداد و توانایی خود می‌تواند آنها را بیاموزد بنابراین نباید کودک را در انتخاب آموزش و رشته تحصیلی و انتخاب شغل و ... مجبور کرد: «و اولی آن بود که در طبیعت کودک نظر کنند و از احوال او به طریق فراست و کیاست اعتبار گیرند، تا اهلیت و استعداد چه صنعت و علم در او مفسطور است و او را به اکتساب آن نوع مشغول گردانند؛ چه همه کس مستعد همه صنعتی نبود و الا همه مردمان به صنعت اشرف مشغول شدند ... و اگر طبع کودک در اقتنای صنعتی صحیح نیابد و ادوات و آلات او مساعد نبود، او را بر آن تکلیف نکنند چه در فنون صناعات فسحتی است به دیگری انتقال کنند» (همان: ۲۳۵)

خواجه در زمینه پرورش اخلاقی به تفاوت‌های فردی قائل است. وی با توجه به این اصل بر این باور است هر کسی باید به حسب استعداد و تواناییهای خود تحت تربیت قرار گیرد. به طور کلی می‌توان گفت:

- ۱- سعادت واقعی انسان در گرو شناخت خود واقعی انسان است که به شناخت خداوند و تقرب به درگاه الهی منجر می‌شود.
 - ۲- انسان، گرایشهای فطری دارد؛ اما مختار است و هیچ انسانی بر اساس فطرت به کارهای زشت و زیبا مجبور نیست.
 - ۳- به منظور کسب فضایل و رسیدن به سعادت، تعلیم و تربیت، ضروری است.
 - ۴- امکان تغییر اخلاق برای همه انسانها، ممکن است.
 - ۵- محیط و الگوهای محیطی بر نگرش افراد و در نتیجه بر رفتارهای آنها تأثیر میگذارد؛ بنابراین معرفی الگوهای مناسب جامعه به نسل جدید می‌تواند متریان رادر تربیت بهتر یاری کند. از اینرو التزام عملی مربیان به ارزشهای اخلاقی ضروری می‌نماید.
 - ۶- برای جذب متریان، بهتر است از روش محبت و مهرورزی در زمینه تربیت استفاده شود.
 - ۷- تعلیم و تربیت باید مبتنی بر خرد ورزی باشد و با روشهای عقلانی اجرا شود.
- با توجه به اینکه تأکید خواجه طوسی بر تربیت اخلاقی از طریق عادت دادن کودکان، تنها تقلید کورکورانه نیست، وی معتقد است که فرد باید با افزایش سن، خود دلیل کارها را با نیروی عقل دریابد و عادات آموخته شده در کودکی را آگاهانه به کار گیرد. (کیانی، ۱۳۹۰: ۹۰)
- در اخلاق ناصری، گاه به نکاتی بر می‌خوریم که اخلاقی و علمی نیست و به کار بستن آن در تربیت کودکان نه تنها مفید نیست، بلکه مضر نیز هست. مثلاً بردن کودکان به مجالس شراب را اگر ادبا و افاضل در آن باشند، مجاز دانسته است: «او را به مجالس شراب خوارگان حاضر نکنند مگر که اهل مجلس افاضل و ادبا باشند و از مجالست ایشان او را منفعتی حاصل آید یا اینکه توصیه می‌کند شام کودک کامل باشد و صبحانه اش اندک، در حالی که امروزه عکس آن به اثبات رسیده است. و باید که شام از چاشت مستوفی‌تر دهند کودک را که اگر چاشت زیادت خورد کاهل شود و به خواب گراید و فهم او کند شود» (طوسی، ۱۳۸۶: ۱۹۸) خواجه نصیر در باب تنبیه مراتبی قائل شده است و در واقع اول تشویق را پیشنهاد می‌کند و اگر کودک کار بدی انجام داد در مرحله اول تغافل باید کرد: «او را به هر خلق نیکی که از او صادر شد مدح گویند و اکرام کنند و صریح فرما نمایند که بر قبیح اقدام نموده است بلکه او را به تغافل منسوب کنند تا بر تجاسر اقدام ننماید و اگر بر خود بیوشد پوشیده دارند و اگر معاودت کند در سر او را توبیخ کنند و در قبح آن فعل مبالغت کنند و از عادت گرفتن توبیخ و مکاشفت احتراز باید که موجب وقاحت شود و به استماع ملامت عادت کند و ارتکاب قبائح لذات نماید از روی تجاسر.» (طوسی، ۱۳۸۶: ۲۴۰)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خواجه نصیر در تربیت سختگیر است و توصیه می‌کند که کودک را در رفاه نباید بزرگ کرد بلکه باید او را برای سختی‌های زندگی آماده کرد و امکانات را برای او محدود نمود: «و از سخن‌های زشت شنیدن و لهو و بازی و مسخرگی احتراز فرمایند و طعام ندهند تا از وظایف ادب فارغ نشود و تعبی تمام بدو نرسد و از خواب بسیار منع کنند که آن تغلیظ ذهن و امانت خاطر آرد و به روز نگذارند که بخسپد و از جامه نرم و اسباب تمتع منع کنند تا درشت برآید و بر درشتی خو کند و از خیش و سردابه به تابستان و پوستین و آتش به زمستان تجنب فرمایند» (همان: ۲۴۶) او در این شیوه تا جایی پیش می‌رود که می‌گوید: «اگر در جریان تربیت کار به تنبیه بدنی کشید، کودک به هنگام تنبیه معلم باید آرام باشد و داد و فریاد ننماید و چون معلم در اثنای تادیب ضربی به تقدیم رساند از فریاد و شفاعت خواستن حذر فرمایند. چه آن فعل ممالیک و ضعفا بود.» (همان: ۲۷۰)

در باره دختران خواجه نصیر به اجمال سخن گفته و تاکید کرده که باید دختران را طوری تربیت کرد که ملازم خانه و حجاب باشند «در دختران هم بر این نمط آنچه موافق و لایق ایشان بود، استعمال باید کرد و ایشان را در ملازمت خانه و حجاب و وقار و عفت و حیا و دیگر خصالی که در باب زنان بر شمردیم تربیت فرمود و از خواندن و نوشتن منع کرد و هنرهایی که از زنان محمود بود بیاموخت و چون به حد بلاغت رسند با کفوی مواصلت ساخت.» (همان: ۲۰۳) خواجه نصیر بر اهمیت دوست تاکید کرده است، زیرا بر این باور است که کودک از همسالان خود زودتر تاثیر می‌پذیرد: «اول چیزی از تادیب او آن بود که او را از مخالفت اضرار که مجالست و ملاعبت ایشان مقتضی فساد طبع او بود نگاه دارند چه نفس کودک ساده باشد و قبول صورت از اقران خود زودتر کند.» (همان: ۱۹۵) او ویژگی‌هایی هم برای دوست ذکر می‌کند. از جمله دوستان کودک باید بزرگ زاده و آراسته به ادب و کمالات باشند تا کودک در تعلیم با آنان رقابت کند و باید که کودکان بزرگ زاده که به ادب نیکو و عادت جمیل متحلی باشند با او در مکتب بوند تا ضجر نشود و چون دیگر متعلمان را ببند در تعلم غبطت نماید و مباحثات کند و بران حریص شود.» (همان: ۱۹۹)

۷. تعلیم و تربیت از نظر خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه «تربیت» را ایجاد ملکات در انسان از طریق عادت می‌داند؛ در کتاب اخلاق ناصری می‌نویسد: تربیت، صفتی است که باید از طبیعت پیروی کند تا کمال موجود را بتواند ظاهر سازد.

گفته خواجه در مورد رشد و سیر تکاملی تربیت متضمن چند نکته است: «رای هر موجودی کمالی مقصود است که هدف خلقت است و به تبع آن، هدف تربیتش رسیدن بدان می‌باشد.

کمال بعضی از موجودات در فطرت با وجود آن‌ها مقارن است.

کمال بعضی موجودات متأخر از وجود ایشان است.» (شکوهی، ۱۳۹۳: ۴۵)

«خواجه از آنجا که تربیت‌پذیری را از جمله ویژگی‌های ذاتی بشر می‌داند تربیت را امکان‌پذیر و از آنجا که تربیت را لازمه رسیدن به کمال علمی و عملی معرفی می‌کند، ضروری می‌داند. خواجه هدف غایی تربیت را قرب الی الله و اهداف میانی را رسیدن به کمال نظری و عملی معرفی می‌کند. منظور از کمال نظری ادراک معارف و دستیابی به علوم و احاطه بر مراتب موجودات و آگاهی از حقایق است و منظور از کمال عملی ایجاد اعتدال میان قوای نفس، پسندیده شدن اخلاق و تدبیر منزل و مدن می‌باشد.» (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

روش تربیت از نظر خواجه «تکرار کردن» است و پیروی از طبیعت آدمی و تطبیق روش‌های تربیتی بر مراحل رشد روانی و بدنی کودک را در پرورش افراد مهم می‌داند. او سبب وجود ملکات را دو چیز می‌داند: ۱. طبیعت؛ ۲. عادت. (فراهانی، ۱۳۹۵: ۶۵)

مراحل تربیت از نظر خواجه عبارتند از:

«مرحله اول تربیت عملی کودک است مثل آداب طعام خوردن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مرحله دوم آموزش عملی است که اگر اهل علم بود، تعلیم علوم بر تدریجی که یاد کردیم - یعنی اول علم اخلاق و بعد از آن علوم حکمت نظری - آغاز کند تا آنچه در مبدأ به تقلید گرفته باشد، او را مبرهن شود و به سعادت که در بدو نما، بی اختیار او را روزی شده باشد، شکرگزاری و ابتهاج نماید.

مرحله سوم آموختن فن یا علم است که ابتدا باید به طبیعت او نظر کند و از احوال او به طریق فراست و کیاست اختیار گیرند تا اهلیت و استعداد، چه صناعت و علم در او منظور است او را به اکتساب آن نوع مشغول گردانند. (همان: ۶۷)

مهم‌ترین اصولی که خواجه در آراء تربیتی خود به آن‌ها اشاره می‌کند عبارت‌اند از: مخاطب مداری، فراگیری و استمرار و جمع علم و عمل (رفیعی، ۱۳۹۲: ۷۶)

اهداف تربیتی مورد نظر خواجه طوسی به دو صورت: یکی اهداف غایی واسطی و دیگری اهداف مربوط به تعلیم و تربیت قابل طرح است از نظر خواجه طوسی سعادت و کمال به عنوان هدف غایی تهذیب اخلاقی یا تربیت اخلاقی تلقی می‌شود؛ یعنی تمام کوشش‌های تربیت اخلاقی در نهایت باید فرد را به سعادت شایسته خودش نایل گردانند. سعادت و کمال از نظر خواجه مراتب و درجاتی دارد که عالیترین مرتبه آنها قرب حضرت حق تعالی است. (کیانی، ۱۳۹۰: ۸۵)

۸. اهداف تربیتی اخلاق ناصری

از دیدگاه دیگر خواجه نصیر طوسی در ذیل مطالبی که درباره تعلیم و تربیت فرزندان مطرح میکند به صورت ویژه به هدفهای تربیت اخلاقی اشاره میکند. این اهداف شامل اهداف تأدیبی، تعلیمی و تفهیمی است.

الف. اهداف تأدیبی:

یکی از اهداف اولیه و اصلی تربیت اخلاقی کودک از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، که نقش زمینه سازی برای هدفهای تعلیمی و تفهیمی دارد، مجموعه آموزش‌هایی است که برای تأدیب کودکان باید انجام داد. به نظر خواجه طوسی، زمان تربیت اخلاقی کودک بعد از دوره شیردهی است. تربیت و تأدیب فرد در همان دوران کودکی ضرورت مییابد تا آدمی به رفتار ناپسند و نازیبا گرایش پیدا نکند. به عنوان اولین قوه از قوه ناطقه یا عقلانی در کودک ظاهر میشود. از نظر خواجه و اول چیزی از آثار... انسان است « تربیت پذیری » ظهور چنین قوه‌های خود دلیل بر بود؛ پس نگاه باید کرد اگر حیا بر او « حیا » قوت تمیز که در کودک ظاهر شود از نظر خواجه طوسی اولین آثار وجود قوه تمیز یا همان نیروی فکر و اندیشه در انسان، قوه حیا یا نجابت است؛ یعنی هر انسانی به دلیل قوه عاقله و به تبع آن قوه حیا تشخیص میدهد که از چه کارهایی پرهیز کند و به چه رفتاری مجاز است. ترغیب کودک به همنشینی با نیکان و جلوگیری از همنشینی با بدان به منظور ایجاد ویژگیهای نیک است.

ب. اهداف تعلیمی:

خواجه طوسی ضمن اشاره به نقش تربیتی تشویق و تنبیه (مؤاخذه) ملایم بزرگترها و معلم در شکل‌گیری اخلاق کودک در دوران طفولیت، رعایت کرامت و حرمت نفس کودک، معلم و هر کسی را گوشزد می‌کند که مسئول آموزش کودک است. خواجه طوسی بر این باور است که در مرحله تعلیمی ابتدا باید به آموزش سنتها و فرایض دینی، آموختن شعر و به طور کلی علم اخلاق به کودکان پرداخت؛ چرا که آموزش کارهای غیر اخلاقی به نوآموزان و جوانان، آنها را فاسد میکند و پس از آن دیگر علوم مربوط به حکمت نظری را به آنها آموخت (همایی، ۱۳۹۳: ۱۲۳)

ج. اهداف تفهیمی:

خواجه طوسی معتقد است که پرورش قوه فهم در تربیت اخلاقی و خودسازی کودکان و نوجوانان نقش اساسی دارد. به نظر وی هنگامی باید به پرورش این قوه پرداخت که فرد به مرحله‌ای از درک و فهم رسیده است که اغراض دیگران را درمی‌یابد؛ به عبارت دیگر مربی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در این مرحله با منطق و استدلال، دلیل کارهای اخلاقی را به متربی می‌فهماند. فرد با رشد قوه عقل و فهم خود و نیز بینش و بصیرت اخلاقی دلیل آنچه را در آغاز با تقلید و عادت آموخته و انجام داده است را درمی‌یابد. (کیانی، ۱۳۹۰: ۸۷)

بدین ترتیب یکی از اصول مهم حاکم بر روشهای تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه، پیروی از طبیعت اولیه کودک و توجه به ترتیب نیروهای طبیعی در آن است شیوه‌ای که می‌تواند به تحقق این اصل کمک کند پیروی از تدبیر طبیعت در ایجاد قوا در کودک است. اگر همه قوا تحت حاکمیت عقل درآیند انسان صاحب ملکه عدالت می‌شود که غایت و نهایت کمال آدمی است در ارتباط با این اصل به شیوه ریاضت انسان اشاره دارد بنا بر عقیده خواجه طوسی ضرورت ریاضت بدان دلیل است که چنانچه نفس آدمی از قوه شهوی و غضبی پیروی کند و به فرمان این دو درآید در حد نفس بهیمی و سبعی تنزل میکند و در صورت سرکوب این قوا به ناروا گراییده و قوای خود را به تعطیلی کشانده است. پس به منظور هدایت و مهار این قوا باید آنها را از طریق ریاضت به : خدمت عقل و دین درآورد به باور خواجه طوسی همسویی با فطرت و دین، اصل مسلم تعلیم و تربیت است و همه تدابیر باید بر پایه فطرت و دین، که وی نام آنرا سیاست الهی نهاده است، پی ریزی شود. روش اساسی در این اصل روش تربیتی پیروی از شریعت است. تربیت دینی با مشخص کردن کارهای واجب و حرام، موجب هدایت، قرار دادن انسان در مسیر درست و ایجاد اعتدال در او می‌شود.

روشهایی برای حفظ صحت و سلامت (پیشگیری) و روشهایی به منظور برطرف کردن علت و از بین بردن علت بیماریها (درمان) هست در تهذیب اخلاق (طب روحانی) نیز باید به همین ترتیب عمل کرد خواجه طوسی معتقد است که ابتدا باید دل و ذهن آدمی از رذایل و آلودگیها و بیماریهای درون پاکسازی گردد و آن گاه به زیورهای اخلاقی متحلی شود تا توانایی‌هایش به فعلیت و کمال برسد. (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۳)

خواجه طوسی هم به نقش مهم تقلید از الگوهای رفتاری و سعی در دور نگاه داشتن کودکان از سرمشکهای اخلاقی ناپسند و نازیبا تأکید می‌کند. روشهای تربیت اخلاقی این اصل عبارت است از:

پرهیز و ترک همنشینی با افراد شرور، بد اخلاق و بد کردار؛ روش پرهیز از شنیدن قصه‌ها و حکایات صاحبان اخلاق بد و شنیدن آنچه از ایشان سر زده است؛ روش همنشینی و معاشرت با صاحبان ویژگیهای نیکو؛ روش تکرار و تمرین کار خوب. از دیدگاه خواجه طوسی فرد باید در مسیر دستیابی به سعادت، صبر و ثبات قدم داشته باشد تا بتواند جمیع اوصاف حسنه را به دست آورد.

از دیدگاه خواجه طوسی طالب سعادت همواره باید قوای خود را در انقیاد قوه عقل درآورد و در مسیر اعتدال حرکت، از افراط و تفریط قوا جلوگیری کند. پرهیز از تحریک و تهییج قوه شهوی و غضبی؛ خواجه طوسی معتقد است که تحریک قوه شهوی و غضبی باعث خارج شدن این قوا از اعتدال میشود و در این هنگام بر قوه عاقله سیطره پیدا می‌کنند و ابتکار عمل از آن سلب می‌شود و انسان، ویژگی درندگان یا چهارپایان را می‌کند. (همان: ۱۵)

۱۳. نتیجه‌گیری

اخلاقیات سهم مهمی از ادبیات تعلیمی را در ادبیات جهان به خود اختصاص داده است. از نظر اخلاق ناصری، غایت و هدف نهایی تربیت اخلاقی، رساندن فرد به سعادت است که در نتیجه تهذیب قوای نفسانی (شهوی، غضبی و نطق) و ایجاد اعتدال در میان آنها حاصل می‌شود. ایجاد فضایل چهارگانه - عفت، شجاعت، علم و عدالت - از هدفهای اصلی تربیت اخلاقی از نگاه خواجه نصیرالدین طوسی به‌شمار می‌رود. هم چنین در زمینه روش‌ها همانند بیشتر دانشمندان اسلامی عادت دادن را بویژه در دوران کودکی عمده‌ترین راه تربیت اخلاقی می‌داند. در این زمینه توجه به مراحل تربیت اخلاقی از نظر وی مهم و اساسی است. با افزایش سن متریبان به تهذیب اخلاق و شیوه‌های مختلف خودسازی اخلاقی از راه ریاضت اخلاقی و به طور کلی روشهای عقلانی تأکید زیادی دارد. نکته قابل توجه،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اهمیتی است که خواجه در زمینه پرورش اخلاقی به تفاوت‌های فردی قائل است. وی با توجه به این اصل بر این باور است هر کسی باید به حسب استعداد و توانایی‌های خود تحت تربیت قرار گیرد. با توجه به اینکه تأکید خواجه طوسی بر تربیت اخلاقی از طریق عادت دادن کودکان، تنها تقلید کورکورانه نیست، وی معتقد است که فرد باید با افزایش سن، خود دلیل کارها را با نیروی عقل دریابد و عادات آموخته شده در کودکی را آگاهانه به کار گیرد. خواجه نصیرالدین طوسی، سعادت را سه قسم سعادت نفسانی، سعادت بدنی و سعادت مدنی می‌داند. بازداري کودک از درگویی، اطاعت از پدر و مادر و معلم، احترام به آنها آموزش علم اخلاق بیش از سایر علوم، خود دادن کودک به درستی و سختی، کمک و اصلاح آداب سخنگویی، حرکت و سکون، خوردن و نوشیدن و رعایت حقوق والدین از اهداف دیگری است که خواجه توجه به آن را ضروری دانسته است. روش تربیت از نظر خواجه، «تکرار کردن» است و پیروی از طبیعت آدمی و تطبیق روش‌های تربیتی بر مراحل رشد روانی و بدنی کودک را در پرورش افراد مهم می‌داند. وی سبب وجود ملکات را دو چیز می‌داند: طبیعت و عادت. خواجه، پس از بیان این نکته، که خلق گاهی مستند به اقتضای طبیعت روانی و گاهی هم به عادت است.

۱۴. منابع:

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۹۷) تاریخ مغول، تهران، انتشارات نیلوفر نقره ای، چاپ اول.
- امین، سیدمحسن (۱۴۰۳ ق) مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۱، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- پورحسن، قاسم (۱۳۹۵)، «بررسی تأملات خواجه نصیرالدین طوسی در دانش اخلاق»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۳۰
- حمیدی، سید جعفر، (۱۳۹۰)، «تعلیم و تربیت از نظر خواجه نصیر الدین طوسی»، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره پیاپی، هشتم
- رحمانیان، زینب، (۱۳۹۸)، «آرای خواجه نصیر طوسی درباره تربیت اخلاقی»، نشریه پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ۱۱، شماره رفیعی، بهروز (۱۳۹۲)، مریبان بزرگ مسلمان، تهران: سمت
- طباطبائی، سیدجواد (۱۳۹۱)، خواجه نصیرالدین و فهم اغراض حکمت عملی یونانی دراستاد بشر، تهران: میراث مکتوب
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۸۶)، اخلاق ناصری؛ به تصحیح علیرضا حیدری. تهران: انتشارات خوارزمی
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۸۹). اوصاف الاشراف. تصحیح محمد مدرسی. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی
- فراهانی، حسن (۱۳۹۵). بررسی آراء تربیتی امام محمد غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: نشر: معرفت
- فرجی، محمد، (۱۳۹۹)، «دلالت‌های اخلاقی اخلاق ناصری»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۱
- قمی، عباس (۱۳۸۵) الفوائد الرضویة، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، قم، بوستان کتاب.
- کبیری، زینب، (۱۳۹۳)، «رابطه نفس و بدن از دیدگاه خواجه نصیر الدین طوسی»، فصلنامه مطالعات معرفتی، سال ۱۸، شماره ۴
- کریمی، روح الله، (۱۳۹۶)، «اخلاق ناصری و نسبت آن با اخلاق نیکوماخوس در تربیت اخلاقی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و پنجم، شماره ۳۴
- کلباسی، حسین (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی اندیشه اخلاقی ارسطو و خواجه نصیرالدین طوسی»، مجله فلسفه دین، سال سیزدهم، شماره ۳
- کیانی، سمیه (۱۳۹۰)، «اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱۲
- مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۸۶) احوال و آثار خواجه نصیرالدین، تهران، انتشارات اساطیر.
- هادی غفاری و اصغر ابوالحسنی، (۱۳۸۹) تاریخ اندیشه‌های اقتصادی متفکران مسلمان، تهران، انتشارات پیام نور، چاپ اول.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

همایی، جلال الدین (۱۳۹۳). منتخب اخلاق ناصری، تهران: نشر هما